

۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

پیشوای معظم جناب آقای دکتر مصدق

مرقومه محترم که بعنوان هیات اجرائی و هیات رئیسه \* شورای مرکزی جبهه ملی در پاسخ نامه\* مورخ دوم اردیبهشت ماه جاری صادر شده است در ساعت هشت و ربع بعد از ظهر روز پنجشنبه دهم اردیبهشت ماه واصل گردید و بلافاصله بدعوت اعضای شورای مرکزی برای تشکیل جلسه فوق العاده اقدام شد. جلسه مذکور روز شنبه دوازدهم اردیبهشت تشکیل و مرقومه شریف قرائت و مورد مذاکره قرار گرفت. و اینک بشرح زیر توضیحات لازم را بعرض میرساند.

بدوا تذکر این نکته ضروری بنظر میرسد که اگر ما در باره مطالب مندرج در مرقومه شریف توضیحاتی بعرض میرسانیم نباید چنین توهمی پیش آید که قصدی برای مقابله و یا معارضه با رهبر ارجمند داشته یا داریم. بلکه با توجه باین حقیقت که دستگاه حاکمه بطیرغم قوانین موجود همچنان حضرت عالی را در قلعه احمد آباد محبوس و محصور نموده و چنانچه در نامه شریف و سایر نامه ها بکرات اشاره فرموده اید غیر از افراد خانواده با کسی حق ملاقات نداشته و ندارید و بدفعات عدم استحضار خود را از حوادث خارج تصریح فرموده اید بر خود فرض میدانیم که در مورد پاره ای از مطالب مندرج در مرقومه\* محترم اطلاعات صحیح بعرض برسانیم تا بر پیشوای ارجمند روشن شود اطلاعاتیکه بعرض رسانده اند دور از حقیقت بوده است. از جمله در باره نحوه شرکت دانشجویان در کنگره کشوری جبهه ملی و انتخاب دو نفر دانشجو بعضویت شورای مرکزی که مرقوم فرموده اید جبهه ملی ولایتا آنها را انتخاب کرده است واقع امر بر خلاف آن چیزی است که باطلاع حضرتعالی رسانیده اند. جبهه ملی ایران برای آنکه بتواند علاوه بر احزاب سایر اجتماعات و دستجات را نیز در

برگردد تشکیل سازمانهای مختلف بنام سازمان دانشجویان - کارگران - بازاریان - پیشه‌وران - فرهنگیان - جوانان و غیره را تشویق و هدایت کرد تا کلیه عناصر و افراد علاقمند از هر صنف یا طبقه‌ای بتوانند بوسیله تشکیلات مربوط بخود در آن شرکت کنند . کنگره کشوری جبهه ملی از نمایندگان انتخابی این اجتماعات و دستجات که بنام سازمانهای جبهه ملی گرد آمده بودند تشکیل گردید و افراد احزاب علاوه بر نماینده‌ای که از طرف حزب خود بکنگره اعزام داشته بودند در انتخابات سازمانها نیز شرکت نمودند و چنانکه در نامه قبلی نیز بعرض رسید عده کثیری از آنان از طرف سازمانهای مذکور برای عضویت در کنگره انتخاب شده بودند .

لازم بتصریح است که کنگره کشوری جبهه ملی که بر طبق اساسنامه موعود تشکیل آن فرا رسیده بود مصرا از طرف عناصر مختلف جبهه ملی بخصوص احزاب و افراد آن مورد تقاضا بود و شورای قلبی جبهه ملی با تنظیم آئین نامه خاصی اقدام بانجام انتخابات کنگره کرد . بر طبق این آئین نامه جمیع اعضای جبهه ملی که بسن هیجده سال رسیده بودند میتوانند در انتخابات کنگره شرکت کنند . و علاوه بر پنج نفر اعضاء هیات نظارت مرکزی برای هر یک از سازمانها نیز هیات نظارت خاصی مرکب از سه نفر که یکی از آنان با عنوان سرپرست يك نفر از اعضای شورای مرکزی می‌بود تعیین گردید . بترتیب فوق انتخابات هر يك از سازمانها جداگانه با شرکت افراد مربوط بان سازمان انجام گرفت و نمایندگان هر يك از سازمانها با رای مخفی و مستقیم افراد آن سازمان برای تشکیل کنگره تعیین گردیدند .

راجع به نمایندگان دانشجویان که در مرقومه خود اشاره فرموده‌اید توجه حضرتعالی را باین امر معطوف میدارد که بموجب آئین نامه کنگره مجموعا ۳۵ نفر نماینده از طرف دانشجویان وابسته به جبهه ملی انتخاب گردیدند ( ۲۹ نفر از دانشگاه تهران و ۶ نفر از دانشگاههای شهرستانها ) علاوه بر این

عدد ۷ نفر نیز برای سازمانهای دانشجویان ایرانی خارج از کشور در نظر گرفته شد ولی از طرف سازمانهای مذکور اطلاع داده شد که بعلمت عد مضمین برای بازگشت نمایندگان انتخابی بمحیط تحصیلی خود اعزام نمایند از طرف سازمانهای مذکور امکان ندارد .

برای جلب توجه آنجناب باهمیتی که بدانشجویان در انتخابات کنگره داده شد و از لحاظ مقایسه با تعداد نمایندگان دانشجویان در کنگره بمعرض میسرساند که سایر صنوف بتعداد زیر دارای نماینده بوده اند : بازار ۱۰ نفر محلات ۱۰ نفر فرهنگیان ۸ نفر اصناف ۷ نفر کارمندان دولت ۵ نفر و همچنین سایر قسمتهای جبهه ملی و شهرستانها که تعداد نمایندگان آن کمتر بوده و هیچکدام قابل مقایسه با تعداد نمایندگان دانشجویان نبوده اند و دانشجویان از این جهت با تفاوت پارزی فوق سایر قسمتها قرار داشتند . بنا بر این بهیچوجه تحقیری نسبت بدانشجویان بعمل نیامده است زیرا اولاً تعداد نمایندگان آنها از سایر صنوف و سازمانها بمراتب بیشتر بوده و ثانیاً نمایندگان خود را در جلسات انتخابی مربوط بهر دانشکده و بطور جداگانه انتخاب کرده اند .

همچنین در مورد انتخاب دو نفر نماینده دانشجو برای شورای ولا یقا آنها را انتخاب نکرده است بلکه مجموع هیات کنگره با رای مخفی و مستقیم و بصورت جمعی کلیه اعضای شورای مرکزی را انتخاب کرده است که در آن از کلیه عناصر جبهه ملی از قبیل روحانیون دانشجویان - اصناف - بازرگانان و سایرین وجود دارد . و دو نفر دانشجوی عضو شورای خود از نمایندگان دانشجویان در کنگره بوده و نظیر سایر اعضای شورای برگزیده شده اند که یکی از آنان ( بنام آقای عباس نراقی دانشجوی دانشکده فنی ) از مدتها پیش همراه عده دیگری از دانشجویان مبارز همچنان در زندان بسر میرود و زندگی تحصیلی او تباه شده است .

در مورد کنگره دانشجویان خارج از کشور لازم بتذکر است که نامبردگان در مرداد ماه سال گذشته هنگامیکه ۷ ماه از زندانی بودن اکثریت اعضا و هیات اجرائی میگذشت با این استدلال که: "عصر ما عصر رهبری و پیروزی جبهه های آزاد بیخس در کشورهای استعمار شده و تازه آزاد شده است. مراد از جبهه ملی مطلقه ای تصنعی از احزاب گوناگون نیست. مقصود از جبهه تشکیلات واحدی است که انبوه استثمار شدگان را بدون در نظر گرفتن قشر اجتماعی آنان و بدون مرز بندیهای مصنوعی بر سر یک شیوه یکسان مبارزه و یک برنامه عینی و علمی مرفقی و واحد متشکل می سازد". تصمیم بانحلال احزاب در اروپا گرفته اند و در این مورد نه با سازمان جبهه ملی در ایران مشورتی کرده اند و نه حتی تصمیم خود را قبلا با اطلاع ما رسانیده اند. و اصولا جبهه ملی همچنانکه در نامه قبلی نیز تاکید گردیده است بعلت فراهم نبودن وسائل ارتباط و وجود تضییقات گوناگون عملا نمیتوانسته در امر سازمانها و فعالیت دانشجویان خارج از ایران نظارت و مداخله ای داشته باشد و راجع بانحلال احزاب اظهار نظری در هیچ مورد (خواه مربوط بداخل کشور و خواه راجع بخارج کشور) نکرده است.

مطالبی که در نامه قبلی راجع بوضع ایرانیان خارج از کشور بعرض رسیده عینا در مورد غالب شهرستانها نیز صادق است. باین معنی که در اغلب مراکز استانها و شهرستانها که طبقات مختلف مردم علاقمند به جبهه ملی و شرکت در مبارزات آزادیخواهانه هستند احزاب وجود نداشته یا فقط بعضی از آنها دارای سازمانهای مختصری میباشند و هرگاه تشکیلات جبهه ملی منحصر بسازمان احزاب گردد در این مراکز نمیتوان تشکیلات وسیع جبهه را که بتواند تماس و ارتباط با مردم محل داشته باشد بوجود آورد. در تشکیلات جبهه ملی هیچگاه صحبت از انحلال احزاب نبوده بلکه همیشه صحبت از تشکیل سازمانهایی بوده است که بتواند سایر اجتماعات و دسته ها را نیز

در بر بگیرد .

در مورد عدم شرکت يك حزب ديگر بنام " حزب سوسیالیست " که اشاره فرموده‌اید خاطر محترم را مستحضر میدارد که در اوان تجدید فعالیت جبهه ملی تقاضای عضویتی از طرف جامعه سوسیالیستها به هیات اجرائی واصل گردید که در اثر رای مخالف بعضی از آقایان عضو هیات اجرائی آنروز تقاضای مذکور مسکوت ماند و تا کنون عضویت این جمعیت در شورای مرکزی مورد بررسی قرار نگرفته است .

و در مورد مطالبی که راجع به ترتیب مذاکرات در شورای مرکزی مرقوم شده است لازم است بعرض برساند که بر طبق صورت جلسات شورای مرکزی اعضای شوری اعم از حزبی و غیر حزبی نسبت بمسائل مطروحه در شوری همیشه صراحتاً اظهار عقیده کرده‌اند و تصمیمات جبهه ملی در کنگره و در جلسات شوری پس از بحث و بررسی دقیق و بصورت رسمی و علنی و با قبول مسئولیت اتخا از گردیده و انتشار یافته است ، و در موارد لازم برای اتخا تصمیمات از رای مخفی نیز استفاده شده است و مطالبی را که در این مورد بعرض حضرتعالی رساتید هاند با واقع امر تطبیق نمی کند .

در مورد تغییر اساسنامه خاطر گرامی را باین نکته جلب مینمایم که شورای مرکزی منتخب کنگره کشوری است و بر طبق ماده چهل و دوم اساسنامه مصوب کنگره نمی تواند راساً نسبت به تغییر آن اقدام نماید و این از وظایف کنگره بشمار میرود که بموجب اساسنامه میبایستی هفتم ماه دیگر تشکیل گردد . و علاوه بر اینکه اجرای نظرات حضرت مستطاب عالی در مورد پذیرش کلیه احزاب و اجتماعات و دسته هائیکه حاضرند در راه آزادی فدکاری کنند بر طبق مقررات اساسنامه امکان پذیر است ، لازم میدانم خاطر مبارک را مستحضر سازد که اکنون تقاضائی در این مورد وجود ندارد که عدم قبول آن موجب اعتراض یا ناراحتی شده باشد . اعتراضات و مخالفتها از طرف احزاب و عناصر

بعمل میاید که در داخل جبهه ملی بوده و در شورای مرکزی جبهه شرکت دارند و مسئله اصلاح اساسنامه از طرف آنها صرفاً بعنوان بهانه‌ای برای ابراز مخالفتها بکار میرود .

نظر باینکه آن جناب که رهبر و پیشوای نهضت ملی هستند صراحتاً ترکیب شورای مرکزی جبهه و اساسنامه آنرا نفی فرموده‌اید و نظر باینکه مقابله با نظریات پیشوای معظم را بصلاح نهضت و ملك و ملت نمیدانیم و با توجه باینکه عناصر معتقد باساستشکیلاتی فعلی جبهه ملی از شرکت در سازمانهای نوع دیگر معذور خواهند بود چنانکه توضیحات معروضه در عریضه قبلی واقع‌شود ادامه کار این شورا غیر مقدور خواهد بود .

با تجدید مراتب ارادت و ادعیه خالصانه از طرف

شورای مرکزی جبهه ملی - دکتر مهدی آذر

مصدق نامه شعرا را برای جواب در اختیار سازمان دانشجویان گذاشت،  
 جواب آنها به مصدق رسید . مصدق با لحن جواب موافق نبود و میدانست  
 که دیگران لحن آنها مستمسک میکنند تا مطالب را بیوشانند . لهذا ایادداشت  
 زیر را به سازمان دانشجویان نوشت :

۴۳ / ۲ / ۱۸

گرچه وقت نکردم که از روی دقت بخوانم ولی آنقدر فهمیدم که در نامه  
 رعایت ادب و احترام نشده و باید این کار بشود و باز بهمین وسیله‌ای که  
 فرستادید آن را بفرستید . و از انتشار هرگونه مطلبی خود داری نمائید که  
 موجب رنجش فراهم نشود . بجای نوشته‌اند نوشته شود مرقوم فرموده‌اند و اسم  
 هر کدام بعد از کلمه جناب ذکر شود .  
 نامه‌ای را که نوشته‌اند بفرستید که من يك مرتبه دیگر آنها بخوانم و ببینم  
 جواب با سوال مطابق است یا نه .

نامه سازمان دانشجویان پس از تصحیحات :  
( در رابطه با نامه شورا به مصدق )

تهران ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

پیشوای معظم جناب آقای دکتر مصدق

با اجازهی آن جناب نامه مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۴۳ که در پاسخ پیشوا از طرف شورای مرکزی جبهه ملی تهیه شده است مطالعه شد . توضیحا زیر که مبتنی بر واقعیات و پرونده‌های موجود جبهه ملی و خصوصا پرونده کنگرهی جبهه ملی است و قبلا نیز از لحاظ پیشوا گذشته است به اختصار بعرض می‌رسد .

در نامه مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۴۳ مطالبی بیان شده و طبعا و در مقام نتیجه‌گیری بعلمت عدم التفات به برخی واقعیات رعایت عدالت و انصاف نشده است . بعضی از این موارد عبارتند از :

۱ - بر اساس نامه‌های پیشوا، بعد م استحضار ایشان از جریانات استناد شده است و نتیجتا کلیه نظریاتشان را از لحاظ تشکیلات جبهه ملی صحیح ندانسته‌اند . باید به این نکته توجه میشد که اظهار عدم اطلاع پیشوا اولاً متضمن مصالحی است و ادب و احترام و اصول سیاست اقتضا می‌کند که بدین طرز مورد استناد واقع نشود . ثانیاً در نامه‌ی اخیر پیشوا به دانشجویان یادآوری فرموده‌اند که در مورد نحوه مبارزه باید در متن جریان بود . در حالیکه مسأله‌ی تشکیلات غیر از آنست و عدم توفیق جبهه ملی در گذشته که قسمتی از آن معلول نداشتن سازمان صحیح بوده است احتیاج به اسناد و اطلاعات گوناگون و فراوان ندارد .

۲ - تشکیل کنگره‌ی کشوری جبهه ملی ایران از طرف احزاب و دانشگاه



مصرفاً مورد تقاضا بود و همانطوریکه در نامه تلویحا اشاره فرموده‌اند بر اثر این تقاضاها کنگره تشکیل گردید . علت اصرار بر تشکیل کنگره این بود که شاید تغییرات مطلوب در نحوه رهبری ایجاد شود و جبهه موثر شود. اما متأسفانه در عمل کنگره طوری ترتیب یافت که همان نظریات سابق را تأیید کرده و به پیام پیشوا هم توجه نکرد . این عدم موفقیت ناشی از ترکیب نامتناسب کنگره بود و وجود کرسی های ظاهرالصلاح بسیار برای سازمانهای موهوم و یا کم نیرو .

۳ - در نامه مرقوم فرموده‌اند جبهه ملی تشکیل سازمانها را تشویق میکرد . عناوین سازمانی در چند سال گذشته وجود داشته است اما جز چند سازمان که از دوره اول فعالیت جبهه ملی سابقه داشتند بقیه نه نیروی چندانی داشتند و نه تحرك قابل ملاحظه‌ای . سازمانهای نظیر سازمان دانشجویان نیز بعناوین مختلف تضعیف میشدند .

سازمان جوانان که از جوانان پر شور دبیرستانی تشکیل شده بود و امیدی برای آینده بود درست مورد استفاده واقع نشد و در فاجعه بهمین . ۴ این سازمان در اثر کارهای بی‌رویه‌اش مورد انتقاد و ایراد فراوان قرار گرفت و از اثر افتاد .

۴ - مرقوم فرموده‌اند که در کنگره جبهه نمایندگان احزاب عضویت داشته‌اند . تنها سه نفر از سه حزب وابسته به جبهه ملی عضو کنگره بودند نه بیشتر .

۵ - اینکه مرقوم داشته‌اند نمایندگان احزاب در انتخابات سازمانها شرکت داشته‌اند نباید بمنوان مرحمت و لطف بیش از حد تلقی شود . افراد و اعضای احزاب در جبهه کار میکردند سازمانهای مورد نظر را اداره مینمودند و بنابراین در انتخاباتش هم شرکت کردند . شاید مقصود این باشد که بهمین یک نماینده از هر حزب اکتفا میشد و افراد احزاب عضو سازمانها حق انتخاب نمایندگی دیگری نمیداشتند که تصدیق خواهند فرمود

قبول آن اندکی دشوار است .

۶ - با اینهمه شرکت احزاب وابسته تمام و کامل نبوده است . از رای دادن بسیاری از افراد عضو احزاب یا با ندادن آنکت به آنان و یا اصولاً قبول نکردن معرفی نامه‌ی احزاب جلوگیری شد . انتخابات سازمان کارگری و سازمان جوانان مورد اعتراض قرار گرفت ( و البته به آن رسیدگی نشد )  
انتخابات سازمان محلات که سازمان نسبتاً مهم و قابل توجهی بود و از زمان نهضت مقاومت سابقه داشت به علت اکثریت داشتن یکی از احزاب اصولاً انجام نیافت و کرسی آنها در کنگره خالی ماند .

۷ - جمعیت نهضت آزادی ایران بعنوان جمعیت نماینده نداشت .

۸ - مقایسه‌ی تعداد نمایندگان هر یک از سازمانها و تعداد نمایندگان سازمان دانشجویان نشان دهنده‌ی برتری تعداد نمایندگان دانشگاه است و این مطلب صحیح است اما از بیان یک نکته حساس خودداری فرموده‌اند و آن اینست که تعداد رای دهندگان دانشگاه که فقط ۲۹ نماینده داشت نصف تعداد افراد رای دهنده‌ی کلیه‌ی سازمانها بوده است .

در برابر ۲۹ نماینده‌ی که به دانشگاه داده شده بود این سازمانها که همه در طرف دیگر قرار میگیرند بشرح زیر نماینده داشتند :

بازار ۱۰ نفر ، کارگران ۱۰ نفر ، محلات ۱۰ نفر ، فرهنگیان ۸ نفر ، اصناف ۷ نفر ، کارمندان ۵ نفر ، کارکنان بانکها و شرکتها ۵ نفر ، تشکیلات اداری ۷ نفر ، محومه ۹ نفر ، هیأت طعمیه ۲ نفر ، سازمان زنان ۲ نفر ، ورزشکاران ۲ نفر ،

خصوصاً عرض این نکته را ضرور میدانم که بعضی از این سازمانها اصولاً جز اسم و دوسه نفر کسی را نداشتند . از سازمان بانکها و شرکتها همیشه در جبهه ملی بعنوان ضربالمثل و نماینده کم کاری ، پرحرفی و بی عضوی و شایعه پراکنی یاد شده است .

مردم فرموده‌اند که نسبت به دانشجویان تحقیری بعمل نیامده است . البته تحقیر ظاهری و مادی تقریباً وجود نداشته است اما فکر میکنیم تحقیر معنوی در کار بوده است .

پیش از تشکیل کنگره به تقاضای دانشجویان در مورد رسیدگی به فاجعه اول بهمن توجهی فرمودند و دانشجویان را برای طرح این تقاضا سرزنش کردند . در کنگره به پیشنهاد های دانشجویان توجهی نمیشد . حتی پیشنهادی که پس از پیشنهاد دانشجویان داده شده بود بر خلاف اصول به رای گذاشته شد ، و وقتی دانشجویان بعنوان اعتراض جلسه را ترک کردند بعضی گفتند که جبهه ملی بدانشجویان احتیاج ندارد . هنگامیکه انتخابات دوره بیست و یکم آغاز شد دانشجویان بدلیل آنکه جبهه ملی همیشه از انتخابات صحبت میکرد است پیشنهاد کردند که برای مقابله با مسخره بازی های هیأت حاکمه تصمیمی اتخاذ شود . متأسفانه به پیشنهاد اعتنائی نشد و آقایان رهبران از اظهار نظر خودداری فرمودند . برای اینکه دولت نتواند از سکوت بعنوان وجود آزادی انتخابات استفاده کند با وجود مخاطرات فراوان و با وجود حکومت نظامی دانشجویان تصمیم گرفتند راه اقدام کنند و بتقاضای میتینگ دستگاه را در برابر این مساله قرار دهند که با مخالفت و جلوگیری شدید از میتینگ به آزاد نبودن انتخابات یکبار دیگر اعتراف کند . اما در آخرین لحظات ( روز ۱۴ شهریور روز قبل از میتینگ ) بعنوان آنکه انجام میتینگ متضمن مفاسدی است از انجام آن جلوگیری بعمل آوردند و البته این امر موجب شد که دانشجویان لا اقل در برابر مقامات انتظامی موهون شوند .

در تنها نشریه‌ای که به اسم اخبار جبهه ملی پس از ماهها سکوت در فروردین ماه امسال منتشر گردید يك کلمه حتی يك کلمه از دانشجویان و نام آنان در میان نیست .

نامه های کمیته دانشگاه در شورا مورد توجه قرار نمیگیرد و مثلاً نامه‌ی اخیر سازمان دانشجویان به شورا (در اسفند ماه ۴۲) که متضمن دلائلی برای انحلال شورا و لزوم تشکیلات موثر و اصولی بود مسکوت گذاشته شد.

بنظر میرسد که این موارد را میتوان از مصادیق تحقیر دانست.

۱ - مرقوم فرموده‌اند که جبهه د و نفر نماینده‌ی دانشجویان را "ولایتاً انتخاب نکرده است بلکه مجموع هیأت کنگره با رأی مخفی و بصورت جمععی کلیهی اعضای شورای مرکزی را انتخاب کرده است و د و نفر دانشجوی عضو شورا خود از نمایندگان دانشجویان در کنگره بوده و نظیر سایر اعضای شورا برگزیده شده‌اند. . . ." این مطلب در حد خود صحیح است ولی ایبراد بهمین کار بوده است. در اینکه د و نفر دانشجو فعلاً در شوری عضویت دارند و از دوستان ما هستند حرفی نیست و در اینکه این د و نفر نمایندگان منتخب دانشجویان دانشگاه فنی و دانشگاه ملی برای شرکت در کنگره بوده‌اند بازهم بحثی نیست.

گفتگو در اینست که اکثریت نمایندگان منتخب دانشجویان عضو کنگره بنام پندگی از طرف موکلین خود (و در نتیجه دانشجویان) این دورا بعنوان نماینده خود در شوری نامزد نکردند و آنها را نماینده خود نمی شناختند و نمی شناسند.

دانشجویان مساله داشتن کرسی خاص برای خود در شوری را در کنگره مطرح کردند. دانشجویان میخواستند نمایندگان از طرف آنان در شوری باشد. آنها نمایندگان دانشجویان عضو شوری میخواستند و میخواهند نه دانشجویان دانشجویان عضو شوری.

بنابراین در عین صحت این مطلب که د و نفر دانشجو در شوری عضویت دارند و در عین آنکه فعلاً در صلاحیت فردی آنها که دوستان عزیز ما هستند اثباتاً یا نفیاً حرفی نداریم این ایبراد را بجای خود باقی میدانیم کـــــــــــــــــه

دانشجویان در شوری نمایندند نداشته و ندارند سه نفر نمایندند با توجه  
 بسازمان نسبته متحرک و وسیع دانشجویان و تعداد اعضای سازمان دانشجویان  
 در برابر سی و پنج نفر از کل اعضای انتخابی شوری زیاد نبود بلکه کم هم بود  
 و البته باین سه نفر رای کافی داده نشد و دلیل آن این بود که در ترکیب  
 نامتناسب کنگره با اینکه نصف مجموع رای دهندگان تهران در انتخابات کنگره  
 از دانشجویان بود دانشجویان فقط ۲۹ نفر نمایندند داشتند.

خلاصه این بحث اینستکه در دانشجویی فعلی عضو شوری نمایندندگان  
 دانشجویان در شوری نیستند چون اکثریت نمایندگان دانشجویان عضو کنگره  
 آنها را کاندید نکرده بودند و این درونفر از طرف مجموع هیئت کنگره با رأی  
 مخفی و مستقیم و بصورت جمعی ولایتا بعنوان نمایندند دانشگاه انتخاب شده  
 اند.

۱۱ - درباره دانشجویان دانشکده‌های شهرستانها و اصولا فعالیت  
 جبهه ملی در شهرستانها میتوان گفت که تقریبا تنها در شهرستان هائسی  
 فعالیت وجود دارد که دانشگاه و دانشکده‌های هست و یا احزاب اندکی  
 کوشش میکنند. بنابراین با توجه به اینکه در شهرستانها قسمت بیشتر بار  
 مبارزه بر دوش دانشجویان بوده است میبایست بهمین نسبت  
 نمایندند داشته باشند. و حال آنکه چنین نبوده و تنها برای کل دانشجویان  
 شهرستانها ۶ نمایندند پیش‌بینی شده بود. از تشکیلات وسیع شهرستانها هم  
 که در نامه یاد شده است جز فعالیت دانشجویان اطلاع دیگری در دستما  
 نیست. در گذشته متاسفانه کمتر به شهرستانها توجه شده است و جز جناب  
 آقای صالح که به زادگاه خود توجهی داشته و دارند و دوسه تن دیگر بقیه  
 تقریبا هیچگاه نه در اندیشه زاد و بوم خود بوده و نه به محلی که مردم آن -  
 خاطرات فراوان از مبارزات در خشان ایشان داشته و آنان را با آغوش باز  
 استقبال میکرد هاند سفری کرده‌اند و اگر هم در بعضی دیگر از شهرستانها

نامی از جبهه ملی هست ثمره گوشش و فعالیت دانشجویانی است که هنگام تعطیلات بیوطن خود سفر کرده‌اند و بجای استراحت بفعالیت پرداخته‌اند .

۱۲ - مرقوم فرموده‌اند که : جبهه ملی عملاً نمیتوانسته است در امور

سازمانها و فعالیت دانشجویان خارج از ایران نظارت داشته باشد .  
این فکر شاید اخیراً پیدا شده باشد زیرا پیش از این همانطور که در نامه اشاره فرموده‌اند برای دانشجویان خارج از کشور نماینده در نظر گرفته بودند و این نشانه‌ای از نظارت ، ارتباط و رهبری است ثانیاً تا چندی پیش که سکوت فعلی پیش نیامده بود کمیسیون رابطه با خارجه در تشکیلات جبهه ملی کار میکرد و ریاست آنهم با جناب آقای دکتر آذر بود . پیام دانشجویان مقیم خارج کشور نیز بوسیله جناب ایشان در کنگره قرائت شد .

۱۳ - متأسفانه بسیاری از نظرات ، نظیر جبهه ملی با مفهوم حزب بسیار بزرگ و انحلال احزاب و غیره از تهران تلقین میشد .

۱۴ - مرقوم فرموده‌اید که جبهه ملی راجع باحزاب نظری نداشته است . ولی میدانیم که هنگامیکه حزب سوسیالیست ( منشعب از حزب زحمتکشان نیروی سوم ) بر رهبری آقای دکتر خنجی انحلال خود را اعلام کرد و اجرای این امر را باحزاب دیگر نیز پیشنهاد نمود فد اکاریشان مورد تکریم و تایید شوری قرار گرفت . و پس از آنهم تعلیمات و تشکیلات جبهه ملی بانحصار حزب منحل شده سوسیالیست آقای خنجی داده شد . حزبی های سابق برای جبهه حوزه‌های حزبی ساختند و تبلیغ علیه احزاب و سایر مخالفین انحلال احزاب و جمعیتها از جمله دانشگاه آغاز گردید . اگر این مطلب معروض صحیح باشد باید قبول کرد که در جبهه ملی نسبت به احزاب نظر وجود داشته است .

۱۵ - در همین نامه نیز نظر نامساعد شوری نسبت به احزاب به عرض پیشوا رسیده است . مرقوم فرموده‌اند " در شهرستانها هرگاه تشکیلات جبهه

ملی منحصر به احزاب گردد در این مراکز نمیتوان تشکیلات وسیع جبهه‌ها را که بتواند تماس و ارتباط با مردم محل داشته باشد بوجود آورد. و این مطلب تحقیر احزاب را متضمن است.

۱۶ - مرقوم فرموده‌اند: "در تشکیلات جبهه ملی هیچگاه صحبت انحلال احزاب نبوده بلکه همیشه صحبت از تشکیل سازمان‌هایی بوده است که بتوانند سایر اجتماعات و دسته‌ها را در برگیرد." بمعرض رسید که صحبت انحلال بود تبلیغ ضد حزبی هم میشد و حزب هم منحل گردید. سازمان جدید هم متأسفانه بابتکار جبهه ملی تشکیل نشد و برعکس یکی از علل مخالفت با نهضت آزادی این بود و در کنگره هم عنوان شد که جمعیت نهضت آزادی ایران پس از تجدید فعالیت جبهه ملی نمایست تشکیل شود و پیشوا بخوبی واقفند که از راه دادن نهضت آزادی به جبهه ملی حتی در کنگره هم مخالفت بعمل آمد و عضویت حضرت آیت الله طالقانی و جناب آقای مهندس بازرگان هم در شورای جبهه ملی جنبه فردی داشت نه نمایندگی جمعیت نهضت آزادی ایران.

۱۷ - در مورد جامعه سوسیالیستها فرموده‌اند: "در اوان تجدید فعالیت جبهه تقاضای عضویتی از آنان رسید و بعلمت مخالفت بعضی از آقایان مسکوت ماند و تا کنون عضویت آنها مورد بررسی قرار نگرفته است." نزدیک به چهار سال از تجدید فعالیت جبهه ملی میگذرد آیا درست است که عضویت جمعیتی چهار سال مسکوت بماند و مورد بررسی قرار نگیرد؟

۱۸ - مرقوم فرموده‌اند: "نظریات حضرتعالی در مورد پذیرش احزاب و اجتماعات و دستجاتیکه حاضرند در راه آزادی فداکاری کنند بر طبق مقررات اساسنامه امکان پذیر است." اگر نظر پیشوا همان است که در پیام بکنگره ابلاغ فرموده‌اند که: "در بنهای جبهه ملی باید بروی تمام احزاب و دستجات و افراد . . . باز شود" و در نامه اخیر مجدداً تذکر داده‌اند

باید بعرض برساند که اساسنامه در آن جهت نیست . با این اساسنامه نه تنها در را باز نکردند بلکه در بهای باز را بستند و حتی گل گرفتند . بر طبق این اساسنامه قبول وابستگی جمعیتها در صلاحیت کنگره است . یعنی میبایست برای وابستگی جمعیت ها منتظر تشکیل کنگره جدید بود . بعبارت دیگر هر دو سال یکبار احزاب و اجتماعات میتوانند تقاضای عضویت کنند و متاسفانه ممکن است در کنگره هم با وضعی نظیر وضع نهضت آزادی رویرو شوند . چون بر طبق همین اساسنامه در کنگره در حال تشکیل تقاضایشان مطرح شد و با جنجال فراوان به صورتی خاتمه یافت که نه تنها مسئله مجمل ماند بلکه ناراحتی هائی را هم موجب شد که پیشوا خود مطلع میباشند .

۱۹ - مرقوم فرموده اند که " اعتراض ها از جانب احزاب و عناصر است و اصلاح اساسنامه بهانه " . اعتراض فقط از طرف بعضی از احزاب نیست . حزب مردم ایران ، حزب ملت ایران ، جوانان و اعضای فعال حزب ایران که در کنگره اخیر این حزب هم اکثریت داشته اند ، دانشگاه ، بازار که در جبهه ملی فعلی هستند و نهضت آزادی ایران و جامعه سوسیالیستها که در خارج این جبهه فعلی هستند اعتراض دارند و اعتراض هم به سکوتی است که مبتنی بر سیاست صبر و انتظار مصوب شوری است .

اعتراض به نحوه عمل و مبارزه است . مساله اساسنامه هم يك مساله اساسی است و بهانه نیست . فعلا نیز طرح نشده است بلکه لا اقل از زمان تشکیل کنگره مورد بحث و گفتگو و اعتراض و اعتراض است . در عمل هم ثابت شده است که با این ترکیب نامتناسب سیاست صحیح اتخاذ کردن کاری مشکل و گاهی ممتنع است . اصلاح اساسنامه یکی از کارهای اساسی است برای تغییر شکل کار و نحوه عمل .

اعتراض کنندگان مایلند کسانی که صاحب نیرو و تشکیلاتند در هم جمع شوند و با ارزیابی نیروی خود تصمیماتی بگیرند و متعهد اجرای آن باشند .



۲۰ - مرقوم فرموده‌اند که چون معتقد باساس تشکیلاتی فعلی جبهه ملی هستند نمی‌توانند اساسنامه را تغییر دهند. متأسفانه همین اساسنامه هم اجرا نشده است. هیات داوران که در اساسنامه پیش‌بینی شده است در مدت ۱۷ ماه گذشته تشکیل نشده است. کسانی که سه جلسه غیبت غیر موجه داشته‌اند مستعفی شناخته شده‌اند و در چند ماهی که آقایان در زندان بودند جبهه ملی بلا تکلیف بود.

۲۱ - مرقوم فرموده‌اند: "... عناصر معتقد باساس تشکیلاتی فعلی جبهه ملی از شرکت در سازمانهای دیگر معذور خواهند بود... پنظیر میرسد که رهبری نباید گرفتار الفاظ باشد. اعتقاد باید اعتقاد بکار و فعالیت و مبارزه باشد نه باساس تشکیلاتی غلط و این مطلب باید مسلم باشد که تشکیلات باید در خدمت جبهه ملی و ملامت ایران باشد نه جبهه ملی در خدمت تشکیلات و بنده و فرمانبردار آن.

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

احمد آباد - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۳

آقایان محترم و فرزندان عزیزم

[سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران]

نامه مورخ ۱۸ اردیبهشت رسید و موجب نهایت امتنان گردید فد اکاریها ی شما در راه وطن عزیز موجب افتخار هموطنان است. امید و چشمداشت عموم به فد اکاریها و از خود گذشتگی هائیت که در راه آزادی و استقلال ایران وطن عزیز نمود هاید. اینجانب برای شما فرزندان عزیز کمال احترام قائلم و اکنون که کاری از من ساخته نیست و در زندان بسر میبرم با قلبی محزون و چشمی گریان توفیق شمارا بیش از پیش از خدا مسئلت دارم. کسی که شمارا بسیار دوست دارد دگتر محمد مصدق

احمد آباد - اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

### شورای مرکزی جبهه ملی

مرقومه محترمه مورخ ۱۲ اردیبهشت عز و صل بخشید و بنظر آقایان مخالفان رسید . جوابی را که داده اند تقدیم میکنم و باستحضار می‌رسانم که اساسنامه و آئین نامه جبهه ملی طوری تنظیم نشده که ملت ایران بتواند از آن استفاده نماید و کاری که صورت می‌گیرد زیر نظر عموم احزاب و اجتماعات و دستجات باشد . اینجانب را عقیده آنست که انتخاب اعضای شوروی بدست کنگره که در هر دو سال یکبار تشکیل میشود و قادر نیست بکار شوروی نظارت کند کاریست بیهوده چه هر هیاتی را که افرادی انتخاب کنند باید در کار آن هیات نظارت داشته باشند تا هر چه میشود در نفع جامعه تمام شود . اینجانب با تشکیل کنگره که هر دو سال یکبار در طهران تشکیل شود و احتیاجات محلی خود را اظهار کند و هر تصمیمی که اتخاذ میشود از روی کمال بصیرت باشد و بدرد مردم خارج از مرکز بخورد کاملاً موافقم ولی موافق نیستم اگر حزبی تشکیل شد و خواست وارد جبهه ملی بشود مدت دو سال صبر کند تا کنگره تشکیل بشود یا نشود . آیا تصور نمی‌فرمائید که این نظریه بر خلاف مصلحت مملکت است چونکه هر قدر جمعیت جبهه کم باشد بضرر مملکت است ؟

انتخابات اعضای شورای جبهه ملی بدست کنگره همان طریق انتخاباتی است که دولت از طرف مردم میکند با این تفاوت که وکلای مجلسین خود را مسئول دولت میدانند و آن را اصطلاحاً مشروطه معکوس میگویند و لسی اعضای شوروی که بدست کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسئولند و نه در مقابل حزبی که بنام آن وارد کنگره شده‌اند و روح حزب از انتخاب

آنان بی خبر است و مسئولیتشان فقط در مقابل يك عده اعضای منفرد و بی پشت و پناه است که قادر نیستند در پیشرفت جبهه ملی اقدامات مؤثری بکنند. شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمان های صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد. نظر اینجانب به حزب توده نیست که آنرا مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جبهه ملی بآمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و میتوانند حافظ منافع جامعه باشند.

این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساسنامه که میگوید "مدارك مربوط به احزاب در دبیرخانه جبهه ملی محفوظ خواهد ماند" مخالفم چونکه حرفی است بلا اثر. چنانچه مقصود تنظیم کنندگان اساسنامه حزب توده باشد کیست که آنرا نشناسد و لازم بارائه مدرك باشد؟ جبهه نیز يك اداره دولتی نیست که پرونده کارمندان و مستخدمین را بایگانی کند و با وجود عده ای از ما بهتران در خود شوری، مدارك محفوظ بماند و این عمل سبب شود که جبهه از عضویت افراد فداکار بگاهد. آن روز که مرحوم جنت مکان ستارخان قد علم نمود و در راه آزادی و استقلال وطن قدم برداشت کسی باو نگفت سابقه خود را بیان کند. چنانچه این حرف گفته شده بود شاید مایوس میشد و کاری صورت نمیداد. و بعد همه دیدند که از آن مرد شریف و وطن پرست کاری صورت گرفت که تا ایران باقی است نامش فراموش نمیشود و زبان زد خاص و عام خواهد بود.

بطور خلاصه تشکیل شوری بدین طریق مؤثر نیست و اعضای شوری باید هر کدام موکلانی داشته باشند که خود را در مقابل موکلان حقیقی مسئول بدانند و در انجام مقاصد جبهه به آنان کمک کنند. و این کار وقتی صورت خواهد گرفت که فردی در حزب خود از طریق مبارزه شخصیتی پیدا کند و معتقدانی بدست آورد تا بتواند در شورای جبهه ملی در نفع وطن

خود استفاده نماید. اشخاص بی موکلی را که کنگره یا شوری انتخاب کنند آلت دست اشخاصی می شوند که آنها را توصیه میکنند و بدین طریق ایران همیشه فاقد رجال خواهد بود و بهمین جهات در عرض این چند سال جبهه ملی نتوانست کوچکترین قدمی در راه آزادی و استقلال ایران بردارد. و بهترین مثال وجوهی است که هموطنان عزیز برای ساختمانهای در محل زلزله به جبهه ملی دادند ولی جبهه باین عنوان که بعضی از مامورین دولت مانع ساختمان میشوند دم نزد و تظاهراتی نکرد، وجوه را در یکی از بانکها ودیعه گذاشت. آیا بهتر نبود که مظلومیت خود را بدینا ثابت کند و بعد جلسهای از صاحبان وجوه تشکیل دهد و آنها را به دهندگان وجوه ببردازد؟

آیا میشود تصور کرد که نمایندگان احزاب و دستجات وقتی پای مصالح مملکت بمیان آمد از کارشانه خالی کنند و رایی را که در موارد مهم با ورقه و عطنی گرفته میشود برخلاف مصلحت بدهند؟ این جانب دیدهام اشخاصی که سابقه خوب نداشته اند، ولی در اجتماع و دادن رای عطنی نتوانستند با افکار جامعه مخالفت کنند، و بهترین مثال تصویب ملی شدن صنعت نفت است در مجلس ۱۶، و استعفاء عده زیادی از نمایندگان مجلس قبل از اینکه نتیجه فرآیند و م معلوم شود، و این مردان وطن پرست هنوز هم مورد بیمه‌ری دستگاه می باشند. آن روز وضعیت طوری بود که جامعه میتواندست افکار خود را اظهار کند، ولی بعد که دول استعمار سازش کردند و جدیدست خود را بیشتر نمودند دیگر قادر نیست مبارزه کند و یکی از جهاتی که نمیتواند، جبهه ملی است که بدین طریق تشکیل شده است.

جبهه ملی احتیاج به افراد شجاع و وطن پرست دارد که به نمایندگی از طرف احزاب و دستجات از حقوق ملت ایران دفاع کنند، و با این اساسنامه و آئین نامه کاری ساخته نیست. آیا ممکن است از چند ورق کاغذ بیمه صرف

در راه منافع ایران صرفنظر کنند و با مشارکت مخالفین اقدام در تنظیم يك اساسنامه جدید و مفید بفرمایند؟ شاید این اتفاق سبب شود که بتوانند گامهایی در راه آزادی و استقلال وطن بردارند. بنده با حال ناتوان و در این زندان بیش از این نباید عرض کنم و مصدع شوم چنانچه عرایض مورد توجه قرار نگرفت این آخرین نامه ایست که تقدیم میکنم. به انتظار جواب فقط در رد یا قبول پیشنهاد.

دکتر محمد مصدق

پیوست :

جواب مخالفان طبق تاریخ تنظیم نامه ها :

- ۱ - نامه مورخ ۱۲ اردیبهشت سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران
  - ۲ - نامه مورخ ۱۲ اردیبهشت حزب ملت ایران
  - ۳ - نامه مورخ ۱۷ اردیبهشت جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران
  - ۴ - نامه مورخ ۲۷ اردیبهشت حزب مردم ایران و ضعائم آن.
- نامه نهضت آزادی ایران هم بعد از ۲۹ اردیبهشت رسید که آن نیز برای شورای جبهه ملی ارسال شده است.

الهیار صالح رئیس هیئت اجرائیه جبهه قصد  
کناره گیری خود را در اثر مکاتبات فوق اظهار  
داشت مگر اینکه اساسنامه بهمان صورت گذشته  
باقی بماند . مصدق این نامه را برای وی نوشت .

احمد آباد - ۱۲ خرداد ۱۳۴۳

خدمت جناب آقای الهیار صالح دوست عزیزم

قربان بگورم از کسالت جنابعالی امروز اطلاع حاصل نمودم و قبول  
بفرمائید که بسیار متاسفم و خواهانم که هرچه زودتر رفع شود و مزده صحت  
و سلامت جنابعالی بازادتمند برسد ، و در ضمن میخواهم عرض کنم کناره جویی  
جنابعالی از کار جبهه ملی موجب یاس مردم است و اشخاصی مثل جنابعالی  
باید موجب امیدواری باشید نه اینکه عده بیشماری را مایوس بفرمائید . یک  
رجل سیاسی هرگز از خدمت به جامعه نمیایست خودداری کند . بیایید  
برای خیر جامعه یک اساسنامه ای که مورد قبول عموم باشد تنظیم فرمائید  
و یک عده مخالف را با این عمل پسندیده ، امیدوار و در خدمت بوطن مهیا  
فرمائید و با این عمل پسندیده جامعه را از خود راضی و برای خدمت  
بوطن عزیز مهیا نمائید . این است نظرات ارادتمند ، تا چه قبول افتد و  
چه در نظر آید .

دکتر محمد مصدق

تهران - ۱۸ خرداد ۱۳۴۳

پیشوای معظم و سرور ارجمند

مرقومه ۱۲ خرداد زیارت و موجب کمال تشکر گردید . بطوریکه در نامه

قبل هم عرض کردم بنده مبتلی به دو بیماری مهم ( ورم پروستات و سنگ کلیه ) هستم و مدت زمانی است که در مقام کنارگیری بودهام تا اینکه بعلت شدت بیماری و مشکلات طاقتفرسای اخیر قدرت ادامه خدمت از بنده بکلی سلب گردید و ناچار به استعفاء بوده و هستم .

راجع به اصلاح اساسنامه جبهه ملی هم که بار دیگر اشاره فرموده‌اید جواب همان است که در نامه‌های رسمی هیئت اجرائیه و شورای جبهه معروض رسیده است . و بنده نمیتوانم چیزی بر آن اضافه کنم . سلامتی وجود محترم را خواهانست .

الهیاری صالح

احمدآباد - ۲۲ خرداد ماه ۱۳۴۳

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

نامه آن سازمان محترم در ۲۹ اردیبهشت قبل به شورای جبهه ملی ارسال شد و مساعی اینجانب برای همکاری و تجدید نظر در اساسنامه بجائی نرسید . اکنون رونوشت نامه خود و مرقومه جناب آقای الهیاری صالح را تقدیم میکنم که از آن مستحضر باشید .

دکتر محمد مصدق

پیوست :

۱ - رونوشت نامه اینجانب

۲ - رونوشت مرقومه جناب آقای الهیاری صالح

## نامه دکتر مصدق به دکتر شایگان و شرح چگونگی انحلال جبهه ملی دوم

احمد آباد - ۴ مهر ۱۳۴۳

قربان شوم از شهریور ۱۳۴۱ که در جواب مرقومه جنابعالی شرحی  
عرض نمودم دیگر بطور مستقیم خبری از جنابعالی نداشتم تا مرقومه مورخ ۱۵  
سپتامبر (۱۴ شهریور) رسید و روح مسرت بخشی در کالبد نحیف دستدار  
دمید. اینکه مرقوم فرموده اید بواسطه انسداد باب مکاتبه در این مدت  
اظهار لطف فرموده اند مورد تأیید است چونکه خود بنده هم که بواسطه  
غیبت فرزندم دکتر غلامحسین مسافر اروپا احتیاج بدکتر داشتم. (روزگذشت  
تا اجازه دادند دکتر دیگری بنده را معاینه کند. اگر باب مکاتبه مفتوح  
نیست خلقت ما طوری ساخته شده که با نبودن هیچ ارتباط مثل هم فکر  
میکنیم و در مسائل سیاسی اختلاف نداریم کما اینکه جنابعالی نمایند مجلس  
بودید و بنده در راس دولت و هر دو یک جور فکر میکردیم و هر قدمی که  
بر میداشتیم در صلاح جامعه بود و بنده هیچوقت فداکاریهای جنابعالی  
را در شورای سازمان ملل متفق و دیوان بین المللی لاهه فراموش نمیکنم و  
والحق که قدمهای مفیدی برای مملکت برداشتید. خواهانم خدا بشما  
عوض کرامت کند و ملت رنج دیده ایران قدر خدمات جنابعالی را بداند.  
اکنون قدری از جبهه ملی عرض میکنم که چون نخواست با نظریات بنده  
راجع به تجدید نظر در اساسنامه و آئین نامه موافقت کند دست از کار کشید  
و جبهه منحل گردید. نظریاتم این بوده اشخاص منفرد که در هیچ اجتماعی  
نیستند وارد جبهه نشوند و همچنین اشخاصی که در اجتماعات هستند  
همان اجتماعات آنها را انتخاب کند و در مملکت مشروطه از افراد کساری  
ساخته نیست افراد را باید اجتماع خودشان انتخاب کنند تا پشتیبان آنها



باشند . انتخاب اعضای شورى که بعضى عضو اجتماعات بودند و اکثریتشان  
 در هیچ اجتماعى نبودند بدست کنگره ولایات که هر دو سال یکبار اگر  
 تشکیل میشد ، سد بزرگى در راه پیشرفت جبهه ملی بود که احتیاج بکمک  
 سازمانهای سیاسى و اجتماعات داشت و يك چنین انتخاباتى در حکم  
 انتخاباتى است که برای مجلسین میکند و روح ملت از آن بیخبر است با  
 این فرق که نمایندگان شورای جبهه که روح اجتماعات او انتخاباتشان بیخبر  
 است مسئول هیچ اجتماعى نبودند و چنین توضیح داده میشد که آنها  
 مسئول کنگره هستند که هر دو سال یکبار باید در طهران تشکیل شود .  
 خلاصه اینکه اعضای شورى نه مسئول بودند نه جمعیتى داشتند که پشتیبان  
 آنها باشد و بعضى از اشخاص منفرد که وارد شورى شدند بودند مقصودشان  
 این بود وقت خود را در يك اجتماع بگذرانند و برخى دیگر ماموریت  
 داشتند که در کار جبهه نظارت کنند و گزارش خود را بجاهای لایزال  
 و بهمین جهات بود که جبهه ملی نتوانست کوچکترین قدمى در راه مصالح  
 مملکت بردارد . البته نظریات بنده مربوط است به جبهه ملی در مرکز ولی  
 در خارج از مرکز چون در بعضى نقاط عدهای هموطنان آنقدر نیست که  
 بتوانند حزب تشکیل دهند از عقاید و نظریات این جوانان مطلع و وطنپرست  
 باید بحد امکان استفاده نمود و باید از آنان دعوت نمود که بعضویت  
 شورای جبهه در آیند . اگر جبهه ملی در مرکز تشکیل شد و آئین نامه‌ای  
 تنظیم نمود که اجرای آن در خارج از کشور عملی باشد کار سهل میشود  
 و همه تابع يك مقررات خواهند شد والا هر جبهه باید برای خود مقررات  
 خاصى تنظیم کند و غیر از آزادى و استقلال ایران پیرامون هیچ مرامى  
 نگردد چه با این مرام هیچکس نمیتواند مخالفت کند ولی با هر مرامى غیر  
 از این ولو مفید باشد مخالفت خواهند کرد . برای اینکه جبهه نتواند در  
 مرام اصلی که آزادى و استقلال ایران است توفیق حاصل نماید و این رویه

مانع از این نیست که هر حزب و هر اجتماع مرام خاص برای خود داشته باشد.  
بیش از این عرض ندارم و توفیق جنابعالی و جوانان وطنپرست را که چشم  
وطنپرستان این مملکت بآنها دوخته شده است از خدا خواهانم.

دکتر محمد مصدق

## مؤخره

و خواننده قطعاً حق دارد بپرسد که در سازمانی با چنین ماهیت و سرشت، چرا سالها باقی ماندیم؟ و چه هدفی را دنبال میکردیم؟  
و جواب ما چنین خواهد بود:

اکثریت ما فعالیت سیاسی و یا سازمانی خود را از این سازمان شروع کردیم. رشد تدریجی ما، در هر لحظه ما را با تضادهای موجود بیشتر آشنا میکرد تا آنکه به این نتیجه رسیدیم که باید سازمان خاص خود را بوجود آوریم. اما مجموعه ما در ابتدا از نظر بینشی آن صلابت را نداشت که بتواند بندهای گذشته را ببرد و پراگماتیسم ما صرفاً مزایای زودگذر ادامه فعالیت را می دید و نه مضار استراتژیک آنها. و هنگامی که به این درک رسیدیم، توصیه رفقای داخل و ادامه کمبودهای خود ما، مانع از روشن کردن خطوط مان با جبهه ملی شد. و سپس زمانیکه قطع رابطه ما با چریکها محظورات ما را از بین برد و تصمیم به توقف فعالیت خود در این سازمان را گرفتیم، از آنجا که اکثریت فعالین جبهه یا بما پیوسته بودند و یا با ما در این مورد هم نظری داشتند، روشن شد که از این پسر فعالیت چشمگیری - حتی از جانب سایرین - بنام جبهه وجود نخواهد داشت. هرکس به دلیلی تصمیم به قطع فعالیت در جبهه گرفته بود. بنابراین اگر اکنون خروج ما و دیگران از سازمانهای جبهه ملی مقارن با انحلال تشکیلات آن میشود، این تنها نشانه ایست از درک یک واقعیت توسط افراد مختلف، از زوایای متفاوت و بدلائل گوناگون، با این ملاحظه که برخی بانیا زمان بطور واقع بینانه رویرو میشوند، و برخی با ترشروئی. اما واقعیت از فراسوی حلق و سلوک عبور میکند.

بامید آینده

گروه اتحاد کمونیستی

www.KetabFarsi.com

تکثیر از

طرفداران سازمان وحدت کمونیستی  
در خارج از کشور